

ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تأکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی

دکتر درّه میرحیدر - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر سهراب عسگری - استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور

پذیرش مقاله: ۸۳/۶/۱۷

چکیده

تعیین حدود قلمروهای دریایی با امنیت و اقتدار ملی کشورهای ساحلی مرتبط است و حضور هر کشور ساحلی در قلمروهای دریایی اش با منافع ملی آن ارتباط مستقیم دارد. بنابراین تلاش کشورها برای تعیین مرز و قلمروهای دریایی از دیدگاه جغرافیای سیاسی و حقوق بین‌الملل امری مشروع است. مباحث مربوط به مرز دریایی در خلیج فارس برای نخستین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ مطرح گردید. ایران و بریتانیا (به عنوان مسئول مسائل خارجی اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس) در خصوص تعیین خط میانی خلیج فارس به عنوان مرز دریایی و همسایگان عرب ایران به توافق رسیدند. اولین مرز دریایی ایران در سال ۱۹۶۸ با عربستان سعودی تعیین گردید. تا سال ۱۹۷۴ مرز دریایی ایران با سه کشور قطر، بحرین و عمان تعیین و تصویب شد. در حال حاضر مرز دریایی ایران با سه کشور عراق، کویت و امارات متحده عربی تعیین و تصویب نگردیده است. مرز دریایی ایران و عراق هیچگاه به‌طور جدی از سوی طرفین پیگیری نشده، چون مسائل و اختلافات دیگری بر آن سایه افکنده است. با این وجود، در دو نوبت طی سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰ دو فرصت مهم جهت افراز فلات قاره دو کشور از دسترس خارج شد. مذاکرات ایران و کویت در دهه ۱۳۴۰ ه.ش در چندین دور انجام شد، ولی به نتیجه نرسید. عواملی چون خط مبدا، نقش جزایر و منطقه سابقاً بیطرف در افراز نشدن مرز دریایی دو کشور مؤثر بوده‌اند. پس از سه دهه، مذاکرات دو جانبه مجدداً از آذرماه ۱۳۷۹ آغاز گردیده است. عدم افراز مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی طی دهه‌های گذشته با ادعای سرزمینی امارات متحده نسبت به جزایر ایرانی در خلیج فارس مرتبط بوده است. از آنجا که بیش از نیمی از کرانه‌های خلیج فارس متعلق به ایران است و از طرفی با توجه به کشف منابع عظیم انرژی در بستر خلیج فارس و احتمال وجود منابع عظیم دیگر و پیوستگی آنها، لزوم افراز فلات قاره ایران با سه کشور پیش گفته ضروری است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، عراق، کویت، امارات متحده عربی، ژئوپلیتیک، مرز دریایی، منافع ملی، حوزه‌های انرژی.

مقدمه

مرزهای سیاسی به صورت قراردادی در آب و خشکی تعیین می‌شوند. تعیین و تثبیت مرز، رابطه مستقیم با منافع ملی کشورها دارد. بحث مرز در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس از مباحث پر اهمیت می‌باشد. در این بخش از جهان مفهوم مرز به صورت نگران کننده‌ای به عامل اختلاف و درگیری کشورها تبدیل شده و از آنجا که تعیین حدود دقیق مرز در بیشتر موارد در ارتباط با منابع ارزشمند هیدروکربنی است، بنابراین هر کشور تلاش می‌کند تا سهم بیشتری از آن را بدست آورد.

امروزه با وجود منابع قابل توجه انرژی در بستر خلیج فارس و احتمال کشف منابع جدید، تحدید حدود مرزهای دریایی به یک امر ژئوپولیتیکی تبدیل شده است. علاوه بر منابع انرژی، میزان دسترسی به آب‌های آزاد برای کشوری چون عراق بسیار حیاتی می‌باشد؛ به طوری که حکام بعثی ساقط شده این کشور برای رهایی از این جغرافیای سیاسی مشکل، دست به دو جنگ خونین و تلخ زدند.

یکی از نتایج مهم افزایش مرزهای دریایی، قانونمند شدن حاکمیت ملی کشورهای کرانه‌ای در قلمروهای دریایی‌شان می‌باشد که نوعی هماهنگی با کنوانسیون بین‌المللی دریایی است که در سال ۱۹۸۲ توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصویب گردید. در این مقاله ضمن بررسی مرزهای فلات قاره‌ای افزایش شده ایران با کشورهای عربستان، قطر، بحرین و عمان، علل و دلایل عدم افزایش مرز دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی عنوان می‌شود.

مرزهای افزایش شده ایران در خلیج فارس

تاکنون مرز دریایی ایران با چهار کشور عربی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که از مرزهای مهم می‌باشند، تعیین و تصویب شده است و در بسیاری از موارد می‌تواند الگوی کشورهای دیگر باشد. اهمیت این مرزها در شیوه توافقات دو جانبه در خصوص تعیین خط مبدأ، تقسیم منابع مشترک، تقسیم قلمروهای متداخل و تصمیم‌گیری در خصوص نقش جزایر در تعیین و ترسیم مرزهای دریایی است. این مرزها از سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۴ به ترتیب با کشورهای زیر افزایش گردیدند.

الف- مرز دریایی ایران و عربستان سعودی:

احتمال وجود منابع قابل توجه نفت در بستر خلیج فارس، عامل اصلی فعالیت اکتشافی ایران و عربستان سعودی در دهه ۱۳۳۰ ه. ش گردید. وجود اختلاف در محدوده مورد بهره‌برداری طرفین باعث شد تا دو کشور جهت افزایش مرز دریایی و تعیین حدود فلات قاره تمایل نشان دهند. روابط ویژه هر دو کشور با ایالات متحده آمریکا و مصمم بودن آنها جهت جلوگیری از تحقق آمال جاه‌طلبانه اتحاد شوروی و مقابله با تهدیدات استراتژیک مطرح شده از سوی

عراق، باعث تسریع در روند مذاکرات و به نتیجه رسیدن آن گردید (مجتهدزاده ۱۳۸۰، ص ۹۸). اولین مذاکرات رسمی دو جانبه ایران و عربستان سعودی در فروردین ۱۳۴۳ بین وزرای خارجی دو کشور انجام شد. در خلال مذاکرات، نحوه احتساب عرض دریایی سرزمینی در جزیره ایرانی خارک منجر به بروز اختلاف گردید. اهمیت مسئله ناشی از وجود حوزه نفتی فریدون - مرجان بود؛ چرا که هرگونه تصمیم گیری در این خصوص آثار عملی مهمی بدنبال داشت. ایران بر این عقیده بود که خط پست ترین جزر این جزیره باید مبنای ترسیم خط مرزی قرار گیرد. در مقابل، عربستان سعودی اصرار داشت که خط میانه بر مبنای خطوط ساحلی دو کشور بدون در نظر گرفتن جزیره خارک ترسیم شود. در نهایت طرفین توافق کردند که در مورد جزیره خارک قاعده احتساب به صورت منصفه اعمال شود. بدین ترتیب خط جدا کننده قراردادی، خط میانه‌ای که بین خط مورد نظر ایران یعنی خط میانه بین جزیره خارک و عربستان سعودی و خط پیشنهادی عربستان سعودی که خط میانه بین ایران و عربستان سعودی بدون در نظر گرفتن جزیره خارک بود، ترسیم شود. در عمل استفاده از این تکنیک سبب شد که ذخایر نفتی مورد بحث به طور مساوی بین طرفین تقسیم گردد (ممتاز ۱۳۶۹، ص ۵۷۱). ترسیم مرز در این قسمت، از توافق دو طرف جهت رفع پیچیدگی حکایت دارد.

بخش دیگر مرز که اهمیت ویژه‌ای به آن بخشیده، محدوده دو جزیره فارسی و العربی می‌باشد. در این بخش به علت تعلق دریای سرزمینی به هر دو جزیره، خط تقسیم به شکل (S) ترسیم گردیده و دریای سرزمینی هر دو جزیره توسط خط میانه براساس ماده دوازدهم کنوانسیون ۱۹۵۸ در مورد دریای سرزمینی و منطقه نظارت ترسیم شده است (مجتهدزاده ۱۳۷۹، ص ۱۷۹).

در تاریخ ۱۷ آبانماه ۱۳۴۷ (۲۴ اکتبر ۱۹۶۸) ایران و عربستان سعودی مرز دریایی خود را تعیین کردند که پس از مبادله اسناد آن، از تاریخ اول بهمن ۱۳۴۷ (بیست و نهم ژانویه ۱۹۶۹) به مورد اجراء گذاشته شد. این مرز طولانی ترین مرز دریایی در خلیج فارس می‌باشد و دارای چهارده نقطه گردش است که به جز در محدوده جزیره‌های فارسی و العربی از سیزده خط مستقیم تشکیل شده است. موافقتنامه مرز دریایی ایران و عربستان سعودی دارای یک مقدمه و چهار ماده است. تنها مسئله‌ای که در حال حاضر در مورد مرز دریایی ایران و عربستان سعودی وجود دارد، عدم تحدید حدود آن در مقابل منطقه تقسیم شده (سابقاً بیطرف) می‌باشد.

ب- مرز دریایی ایران و قطر:

یکی از عوامل مهمی که باعث گردید تا قطر به طور جدی موضوع تعیین قلمروهای دریایی خود با ایران را پیگیری نماید، اعلامیه ژانویه ۱۹۶۸ دولت محافظه کار بریتانیا مبنی بر پایان حضور نظامی و سیاسی این کشور در خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ بود. به دنبال صدور این اعلامیه، شیوخ عرب مصمم شدند تا به اختلافات خود با قدرت برتر آینده در خلیج فارس (یعنی ایران) پایان دهند. از طرفی ایران نمی‌خواست به گونه‌ای عمل نماید که منجر به حضور

قدرت‌های خارجی در منطقه گردد. در حقیقت این مسائل باعث ایجاد زمینه‌های انحراف در طرفین گردید و حلّ اختلافات در خلیج فارس را تسریع کرد (رضوی ۱۹۹۷، ص ۱۴۱).

اگرچه دو طرف در استفاده از خطّ میانه توافق داشتند، اما مشکلات چندی بروز کرد. اولین مشکل به ترسیم خطّ مبدأ در سواحل دو کشور مربوط می‌شد. وجود چند جزیره باعث بروز اختلاف در ترسیم خطّ مبدأ گردید. برای پرهیز از اختلاف، توافق گردید تا خطّ مبدأ بدون دخالت جزایر، تپه‌ها و برآمدگی‌های جزری تعیین شود. در نتیجه ایران از خواسته خود مبنی بر استفاده از سواحل سه جزیره کیش، هندورابی و لاوان جهت ترسیم خطّ مبدأ چشم‌پوشی کرد. این اقدام کاملاً سیاسی بود و بر مبنای این تفاهم که حاکمیت بلامنازع ایران بر این جزایر تأیید شده است، صورت گرفت (مجتهدزاده ۱۳۸۰، ص ۱۰).

مشکل دیگر به بحرین مربوط می‌شد. در زمانی که مذاکرات دو طرف جهت تعیین مرز فلات قاره‌ای ادامه داشت، ایران در پی تجدید حاکمیت بر بحرین به عنوان بخشی از سرزمین اصلی خود در آن سوی خلیج فارس بود. از طرفی قطر و بحرین دارای اختلافات ارضی و مرزی بودند. بنابراین تصمیم ویژه‌ای در این خصوص اتخاذ گردید. طبق توافق طرفین مقرر گردید تا مکان دقیق اتصال مرز در شمالغرب تا زمانی که مرز دریایی قطر و بحرین مشخص نگردیده نامعلوم باقی بماند.

موافقتنامه مرز دریایی ایران و قطر در بیست‌ونهم شهریور ۱۳۴۸ (بیست سپتامبر ۱۹۶۹) امضاء و پس از مبادله اسناد آن، از تاریخ بیستم اردیبهشت ۱۳۴۹ (دهم مه ۱۹۷۰) به مورد اجراء گذاشته شد. این مرز ۱۳۱ مایل دریایی طول دارد و از شش نقطه گردش و اتصال تشکیل شده است. ویژگی خاصّ این مرز ترسیم آن براساس استفاده از خطّ ژئودزیک می‌باشد. براین اساس فاصله نقاط مرزی نسبت به خطّ مبدأ در سواحل هر دو کشور ایران و قطر یکسان است.

با وجود حلّ اختلاف قطر و بحرین توسط دادگاه بین‌المللی لاهه، این کشور تاکنون به درخواست وزارت خارجه کشورمان جهت تعیین مکان دقیق نقطه شماره یک مرز دریایی دو کشور جواب مثبت نداده است.

ج- مرز دریایی ایران و بحرین:

کشور بحرین طی ادوار مختلف تاریخی بخشی از ایران بود و در مواقعی که حکومت مرکزی دچار ضعف و انحطاط می‌شد، بیگانگان چند صباحی بر آن سلطه می‌یافتند. بحرین در دوران مشترک المنافع هخامنشی در حاشیه قلمرو ایران قرار گرفت. در زمان مشترک المنافع ساسانی اعراب به قلمرو ایران در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس دست‌اندازی کردند و شاهپور اول ساسانی با لشکرکشی، مهاجمان بیگانه را از آن سرزمین دور کرد (همان، ص ۴۸۲). ورود استعمارگران پرتغالی به خلیج فارس در قرن شانزدهم میلادی اشغال جزایر ایرانی از جمله بحرین توسط آنها را در پی داشت. از این زمان سرنوشت منطقه خلیج فارس به گونه دیگری رقم خورد. بیشترین نقش در تحولات

منطقه خلیج فارس پس از ورود بریتانیا تعلق به این قدرت استعماری داشت. آغاز دخالت علنی انگلیسی‌ها در بحرین را می‌توان از سال ۱۸۱۴ میلادی دانست. در این سال بود که مستر «بروس» از جانب شرکت هند شرقی به بحرین رفت و با شیخ عبدا... بن شیخ احمد ملاقات نمود و با او از هر دری سخن گفت. شیخ عبدا... که چنین پیش‌آمدی را برای خود فتح‌نمایان می‌شمرد، حاضر گردید تا در ازاء حمایتی که انگلستان از وی در مقابل ایران بنماید، خواسته‌های آن دولت را کاملاً به موقع اجراء گذارد (نشأت ۱۳۴۵، صص ۴۶۰-۴۵۹).

در اوائل دهه ۱۸۸۰ با عقد موافقتنامه‌ای بین حکام آل خلیفه بحرین و بریتانیا عملاً این جزیره تحت الحمايه بریتانیا قرار گرفت.

تلاش‌های ایران برای اعاده حاکمیت بر بحرین در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۷) به اوج خود رسید. در این سال مجلس ایران لایحه‌ای را به تصویب رساند که بر اساس آن بحرین به عنوان استان چهاردهم اعلام شد. حضور بریتانیا مهم‌ترین مانع تحقق خواست ایران بود. کشمکش‌های سیاسی دو کشور تا سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) ادامه داشت. در این سال ایران و بریتانیا موافقت خود را به جهت همه‌پرسی برای استقلال بحرین اعلام کردند. نتیجه اقدامات خصمانه نماینده سیاسی انگلیس (چارلز بلگریو) در دعوت از اعراب برای ورود به بحرین جهت برتری و افزونی بر جمعیت ایرانی تبار، همه‌پرسی استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ بود.

پس از استقلال بحرین، ایران در تاریخ هفتم شهریور ۱۳۵۰ (بیست‌ونهم اوت ۱۹۷۱) اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با این کشور کرد. در نتیجه این اقدام زمینه برای تعیین مرز فلات قاره‌ای دو کشور فراهم آمد. الزامات چندی در این خصوص وجود داشت؛ از جمله این که ایران و عربستان سعودی از یک سو و بحرین و عربستان سعودی از سوی دیگر مرز دریایی خود را افزاز کرده بودند. ولی مهم‌ترین دلیل، مسائل اقتصادی بود. شیخ‌نشین بحرین برای استخراج نفت با چند شرکت از جمله شرکت‌های انگلیسی وارد مذاکره شده بود و بنابراین احتمال فعالیت در بستر دریا وجود داشت.

موافقتنامه مرز دریایی ایران و بحرین در بیست‌وهفتم خرداد ۱۳۵۰ (هفدهم ژوئن ۱۹۷۱) به امضاء رسید و پس از مبادله اسناد آن از بیست‌چهارم اردیبهشت ۱۳۵۱ (چهاردهم مه ۱۹۷۲) لازم‌الاجراء شد. این مرز کوتاه‌ترین مرز دریایی ایران در خلیج فارس به طول ۲۸/۲۸ مایل می‌باشد. در تعیین خط مبدأ ایران جزایر نخیلو و جبرین که حدود سه مایل از سرزمین اصلی فاصله دارند، کاملاً دخالت داده شد و جزیره المحرق نیز جزئی از سرزمین اصلی بحرین محاسبه گردید.

مرز دریایی ایران و بحرین دارای چهار نقطه گردش و اتصال است و از سه خط ژئودزیکی تشکیل شده است.

د- مرز دریایی ایران و عمان:

آنچه امروز تحت عنوان مرز دریایی ایران و عمان از آن یاد می‌شود، در حقیقت خط منصفی است که از وسط تنگه هرمز می‌گذرد و مرز دریایی ایران و عمان را در تنگه هرمز و مدخل خلیج فارس افراز می‌نماید. اما بخش طولانی مرز دریائی دو کشور در دریای عمان تعیین و تصویب نشده است. تنگه هرمز که نامش از جزیره ایرانی هرمز اخذ گردیده، یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان بشمار می‌رود و فضای بین دو خط فرضی است که اولی دو نقطه «رأس دبه» و «دماغه الکوه» را در دریای عمان و دومی «رأس الشام» یا «شیخ مسعود» و «جزیره هنگام» را در مدخل خلیج فارس به هم متصل می‌کند. طول آن ۱۸۷ کیلومتر و عرض آن در باریک‌ترین بخش یعنی بین جزیره قوئین کبیر و جزیره لارک تنها ۳۸ کیلومتر (۲۱ مایل دریایی) است (میرحیدر ۱۳۶۶، صص ۷۴-۷۳) در نتیجه دریای سرزمینی دو کشور ایران و عمان در این قسمت در طول ۱۵ مایل بر روی هم قرار می‌گیرد. دو کشور توافق کرده‌اند که در این بخش از خط میانه استفاده نمایند.

طول مرز دریایی ایران و عمان ۸۵/۱۲۴ مایل است و از مرزهای مهم در خلیج فارس می‌باشد. به علت عدم تعیین مرز دریایی ایران با امارات متحده عربی و مرز دریایی عمان و امارات متحده عربی در خلیج فارس و دریای عمان، تعیین نقاط اتصال ابتداء و انتهای مرز در هر دو نقطه به بعد از مشخص شدن مرزهای پیش گفته موکول شده است. توافقنامه مرز دریایی ایران و عمان دارای یک مقدمه و پنج ماده می‌باشد. ماده یک از آن به نقاط گردش اشاره دارد که تعداد کل آنها بیست و دو نقطه است. این خط مرزی حاصل ترسیم خطوط ژئودزیک در میان این نقاط است. طرفین توافق کرده‌اند تا در شعاع ۱۲۵ متری خط مرزی هیچ گونه فعالیت اکتشافی صورت نگیرد و در صورت اقدام به این عمل، دو طرف تلاش خواهند کرد تا نسبت به نحوه هماهنگ ساختن عملیات و یا یک کاسه کردن آن در طرفین خط مرزی توافق حاصل نمایند (اخبار و اسناد ۱۳۵۴، ص ۱۷۸). مرز دریایی ایران و عمان در بیست و چهارم تیرماه ۱۳۵۳ (پانزدهم ژوئیه ۱۹۷۴) تعیین گردید و پس از تصویب دو کشور، در دی‌ماه ۱۳۵۳ (ژانویه ۱۹۷۵) به اجراء گذاشته شد.

در تعیین و ترسیم این مرز دریایی همه جزایر ایرانی و عمانی مورد توجه قرار گرفته و خط کرانه‌ای دو کشور از خط کرانه‌ای جزایر دو کشور در شمال و جنوب محاسبه شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶).

ه - سایر مرزهای توافق شده ایران در خلیج فارس:

علاوه بر مرزهای تعیین شده که پیشتر مورد بررسی قرار گرفتند، بخش‌هایی از مرز دریایی ایران با فدراسیون امارات متحده عربی در قسمت‌های دریایی مقابل امارات شارجه و دومی تعیین گردیده است. توافق نخست بین ایران و شارجه زمانی بدست آمد که بریتانیا در حال تخلیه خلیج فارس و پایان دادن به حضور نظامی خود در این منطقه بود. ایران و شیخ‌نشین شارجه طبق توافقی که انجام دادند، اجرای مقررات ایرانی دوازده مایل آب‌های سرزمینی از محل خط مبدأ حد پست‌ترین جزر در خصوص جزیره ابوموسی را تصویب کردند.

توافق دیگر مربوط به مرز دریایی ایران و شیخ‌نشین دویی به طول ۲۵/۳۹ مایل دریایی می‌باشد که در تاریخ بیست‌و‌دوم مرداد ۱۳۵۳ (سیزدهم اوت ۱۹۷۴) به امضاء دو طرف رسید. این موافقتنامه از سوی مجلس ایران به تصویب رسید، ولی امارات متحده عربی تاکنون از تصویب آن خودداری کرده است. این مرز از خطوط ژئودزیک تشکیل شده است (رضوی ۱۹۹۷، ص ۱۵۶).

وضعیت مرزهای افراز نشده ایران در خلیج فارس

مرز دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی افراز نشده است. طی دهه‌های گذشته مذاکراتی جهت افراز مرز فلات قاره‌ای ایران و این کشورها به‌ویژه عراق و کویت صورت گرفت، ولی به نتیجه رضایتبخشی منجر نشد. مهم‌ترین الزاماتی که در خصوص افراز فلات قاره و تعیین قلمروهای دریایی میان کشور ما و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی وجود دارد، به قرار زیر می‌باشد:

الف- ضرورت‌های اقتصادی:

مهم‌ترین ضرورت اقتصادی در الزام به تحدید حدود قلمروهای دریایی و افراز فلات قاره در خلیج فارس وجود حامل‌های انرژی (نفت و گاز) می‌باشد. بستر خلیج فارس دارای بزرگترین میادین نفت و گاز است. از جمله آنها می‌توان به میدان گاز پارس جنوبی به مساحت ۹۷۰۰ کیلومتر مربع اشاره کرد. سهم ۳۷۰۰ کیلومتری ایران از این میدان حدود ۱۳۰/۱۳ تریلیون متر مکعب گاز است که هشت درصد از کل گاز دنیا و بالغ بر چهل درصد از ذخایر گاز ایران می‌باشد (نفت، گاز، پتروشیمی ۱۳۷۶، ص ۲۷).

هم‌اکنون سیاست کشورهای کرانه‌ای خلیج فارس بر استفاده از منابع واقع در بستر خلیج فارس و نفت و گاز مناطق فلات قاره متمرکز گردیده است. از آنجا که به احتمال قوی با پیشرفت تکنولوژی در آینده شاهد کشف منابع قابل توجه انرژی در بستر خلیج فارس خواهیم بود، بنابراین ضرورت دارد تا در جهت حفظ و صیانت از منافع ملی کشورمان اقدامات عملی برای افراز مرزهای فلات قاره‌ای صورت پذیرد.

ب- ضرورت‌های سیاسی، امنیتی و بین‌المللی: به عنوان مهم‌ترین الزام سیاسی - امنیتی، حل کشمکش‌های سرزمینی و جغرافیایی در منطقه خلیج فارس عامل بسیار مهم در مناسبات منطقه‌ای است. معمولاً از منازعات جغرافیایی - ژئوپولیتیکی منطقه به دو گونه منازعات ایرانی - عربی و کشمکش‌های درون عربی یاد می‌شود که بستر مساعد جهت گرفتار شدن کشورهای منطقه در دام اختلافات ارضی و مرزی است. از طرفی وجود این اختلافات زمینه مداخلات دیگران را فراهم می‌آورد.

با وجود شکل‌گیری سه رژیم امنیتی:

۱- رژیم امنیتی انگلیسی از قرن نوزدهم تا ۱۹۷۱؛

۲- رژیم امنیتی ایرانی - سعودی از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۹؛

۳- رژیم امنیتی امریکایی از زمان پایان جنگ سرد تا کنون.

منطقه خلیج فارس همچنان از فقدان یک رژیم امنیتی مبتنی بر علایق و منافع تمام کشورهای منطقه رنج می‌برد. گام نخست در دستیابی به آنچه تاکنون مقدور نبوده، تأکید بر آموزه‌ها و عناصر بومی امنیت می‌باشد و این مهم محقق نمی‌شود مگر با حل اختلافات و منازعات جغرافیایی.

امنیت محیط زیست را نیز باید به مقوله پیشین افزود که یک الزام امنیتی - بین‌المللی پراهمیت می‌باشد. تعیین قلمروهای ملی در دریا و پذیرش مسئولیت براساس معاهدات جهانی و کنوانسیون ۱۹۸۲ جهت حفظ محیط زیست دریا، عامل مهم در سلامت زندگی طبیعت بی‌جان و جاندار خلیج فارس می‌باشد. بنابراین با توجه به مسائل پیش گفته و سایر الزامات، ضرورت دارد دستگاه دیپلماسی کشورمان جهت تعیین حدود مرز فلات قاره‌ای فعال گردیده و استراتژی‌های کارآمدی را در پیش گیرد.

مرز دریایی ایران و عراق:

میزان دسترسی عراق به آب‌های آزاد بین‌المللی ۵/۱۸ کیلومتر است که در مقایسه با سایر کشورهای کرانه‌ای خلیج فارس بسیار کم و قابل چشم پوشی است. در نتیجه عراق در دام جغرافیای سیاسی دشوار خود گرفتار آمده است. حکام پیشین عراق برای رهایی از این مشکل، تجارب تلخی را آزمودند. این کشور از زمان پیدایش خود تحت قیمومیت انگلستان (سال ۱۹۲۰) تاکنون با کشورمان دارای اختلافات ارضی و مرزی بوده و در حقیقت عراق میراث‌خوار اختلافات عثمانی با ایران شد. مهم‌ترین بخش اختلافات دو کشور مربوط به اختلافات در مرزهای خشکی بوده و مرزهای دریایی بخش ناچیز اختلافات را تشکیل داده است.

زمان آغاز بحث فلات قاره ایران و عراق به اواخر دهه ۱۳۳۰ باز می‌گردد. در پی اقدام دولت ایران جهت بهره‌برداری از منابع نفتی فلات قاره از طریق عقد قراردادهای نفتی با شرکت ملی نفت ایران و سایر شرکت‌های خارجی، دولت عراق با صدور اطلاعیه‌ای نسبت به این امر اعتراض نمود. اعتراض عراق در بیست‌وسوم نوامبر ۱۹۵۷ (دوم آذر ۱۳۳۶) صورت گرفت. عراقی‌ها در این سال برای اولین بار از فلات قاره خود در خلیج فارس سخن گفتند، ولی اشاره‌ای به محدوده آن نکردند. اما پس از مدتی از یک متخصص ارشد نروژی به نام کوچرون آموت جهت تعیین حدود فلات قاره این کشور در خلیج فارس دعوت کردند. نتیجه کار آموت مورد اعتراض ایران و کویت قرار گرفت؛ چرا که بخش‌هایی از فلات قاره ایران و کویت جزء قلمرو دریایی عراق لحاظ گردیده بود. بر اساس تعیین حدود یکجانبه، در اوت ۱۹۶۰ (مرداد ۱۳۳۹) وزارت نفت عراق حقوق بهره‌برداری از منابع نفتی در فلات قاره این کشور را مطرح کرد (رضوی ۱۹۹۷، ص ۱۹۸).

با شرکت عراق در اجلاس سران اوپک در اکتبر ۱۹۶۳ (مهر ۱۳۴۲) در ژنو خوشبینی بین دو طرف جهت حلّ مسائل پدید آمد. پس از اجلاس ژنو یک هیأت ایرانی در آبان ماه ۱۳۴۲ از عراق دیدار و مذاکراتی در مورد مرزهای فلات قاره‌ای دو کشور انجام داد. عبدالرحمان عارف رئیس جمهور عراق در اسفندماه ۱۳۴۵ (مارس ۱۹۶۷) از ایران دیدار کرد و دو کشور تمایل خود را جهت مذاکره در خصوص مسائل موجود در روابط دو جانبه از جمله تحدید حدود فلات قاره به طور رسمی اعلام کردند و تشکیل کمیسیون‌های مختلط مورد تأکید واقع شد تا از جمله آن مذاکرات مربوط به تحدید حدود فلات قاره و نحوه استفاده از منابع نفت (نفت خانه - نفت شاه) ادامه یابد (کیهان ۲۴ اسفند ۱۳۴۵).

وقوع کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸ باعث توقّف مذاکرات گردید. از این تاریخ حکام عراقی نسبت به ایران و منافع آن حالتی کاملاً تهاجمی به خود گرفتند؛ چراکه در تعقیب بدست گرفتن رهبری به اصطلاح امت عربی بودند و این امر با توسّل به ایجاد دشمن مشترک عربی تعقیب می‌شد. در اولین اقدام عراقی‌ها شطّ العرب را رودخانه عراقی اعلام کردند. با متشنّج شدن روابط دو کشور، نیروهای نظامی ایران به حال آماده باش کامل درآمدند و درگیری‌های پراکنده و خونین در طول مرزهای دو کشور اتّفاق افتاد. عقد معاهده حسن همجواری میان ایران و عراق در پانزده اسفند ۱۳۵۳ (ششم مارس ۱۹۷۵) که با میانجیگری بومدین رئیس جمهور وقت الجزایر انجام شد، باعث تثبیت اوضاع در مرزهای دو کشور گردید و شطّ العرب که طیّ سال‌های قبل از آن عامل درگیری شده بود، رودخانه‌ای مشترک محسوب و خطّ تالوگ آن مرز دو کشور تا شمال خلیج فارس تعیین گردید. شروع جنگ تحمیلی که با زیر پا گذاردن توافقات انجام شده توسط صدام حسین حاکم ساقط شده عراق بود و ادامه آن به مدّت هشت سال امکان هرگونه توافقی را از بین برد.

موانع عمده‌ای که طیّ دهه‌های گذشته باعث عدم دستیابی ایران و عراق به توافق همه جانبه در خصوص تحدید حدود مرز دریایی گردیده‌اند عبارتند از:

- ۱- طمع ارضی عراق نسبت به استان خوزستان که چالش‌های فراوانی را بوجود آورد (شفیلد ۱۹۹۶، ص ۱۶۳).
 - ۲- تلاش عراق در رهبری اعراب و در اختیار گرفتن جایگاه مصر در این زمینه و معرفی ایران به عنوان دشمن مشترک اعراب.
 - ۳- حمایت حکام عراقی از ادّعای سرزمینی امارات متّحده عربی نسبت به جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس .
 - ۴- دخالت در امور داخلی ایران و افروختن آتش جنگ تحمیلی .
- فلات قاره عراق در صورت افراز به شکل مثلث متساوی‌الساقینی است که یک ساق آن مرز فلات قاره‌ای ایران و عراق و ساق دیگرش مرز فلات قاره‌ای عراق و کویت خواهد بود. ساق شمالی این مثلث به علّت تأثیر نقطه (۲) خط مبداء ایران در دهانه بهرگان با طول جغرافیایی $49^{\circ} 33'$ و عرض $29^{\circ} 59'$ دچار خمیدگی قابل توجه به سمت جنوب خواهد شد.

در این بخش از شمال خلیج فارس تاکنون هیچ‌گونه منبع انرژی کشف نگردیده است. مینا البکر و الامیه ترمینال‌های نفتی هستند که عراقی‌ها جهت صدور نفت خود آنها را احداث نموده‌اند. رژیم گذشته عراق نه تنها هیچ‌گونه برنامه مشخصی جهت افراز فلات قاره خود با ایران و کویت نداشت، بلکه نسبت به گفتگوهای ایران و کویت جهت تعیین مرز دریائی‌شان معترض بود. وزیر خارجه سابق این کشور در بیستم اوت ۲۰۰۰ (بیست‌ونهم مرداد ۱۳۷۹) با ارسال نامه‌ای به این مسئله اعتراض کرد. وی در این نامه خواستار رعایت حقوق عراق در فلات قاره خود گردیده و توافقات دو جانبه را فاقد اعتبار بین‌المللی اعلام کرده بود (شورای امنیت^۱ ۲۰۰۰)، نمایندگان ایران و کویت در سازمان ملل به اظهارات نماینده عراق پاسخ مبسوطی ارائه دادند که چندین نوبت نامه‌نگاری را در پی داشت. طی دهه‌های گذشته، دیپلماسی ایران حداقل در دو نوبت در خصوص تحدید مرز دریایی ایران با عراق بسیار ضعیف عمل کرده است. نوبت اول به زمان عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بازمی‌گردد. در این سال با توجه به مهیا بودن تمام شرایط و برتری سیاسی- نظامی ایران، امکان تحدید حدود مرز دریایی دو کشور فراهم بود، ولی دلیل عدم پیگیری آن بیان نگردید.

دومین فرصت تاریخی به تابستان ۱۳۶۹ بازمی‌گردد. در دوم اوت ۱۹۹۰ ارتش عراق کویت را به اشغال خود در آورد. صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق برای اطمینان خاطر از برقراری آرامش و آتش‌بس در مرزهای این کشور با ایران، مکاتباتی با رئیس‌جمهور وقت ایران انجام داد که در آن خواستار عادی سازی روابط، آزادی اسراء، عقب نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین‌المللی و... شد. پس از چندین نوبت نامه‌نگاری عاقبت صدام حسین در چهاردهم اوت ۱۹۹۰ (بیست‌وسوم مرداد ۱۳۶۹) در نامه‌ای به اکبر هاشمی رفسنجانی نوشت: "با پیشنهاد شما مندرج در نامه جوایبه هشتم اوت ۱۹۹۰ که ناظر بر لزوم مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ می‌باشد، ضمن مرتبط دانستن آن با اصول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت موافقت می‌شود" (جعفری ولدانی ۱۳۷۱، ص ۲۳۳).

با توجه به وضع آشفته حاکم بر عراق انتظار می‌رفت تا از این موقعیت ویژه زمانب بهره‌گیری شود؛ ولی متأسفانه دستگاه دیپلماسی کشور ما یک فرصت مهم را از دست داد و افراز مرز دریایی دو کشور چون قبل عملی نشد. مشکل دیگری متعاقب آن بروز کرد که بازتاب سیاست خارجی غیر کارآمد آن دوره می‌باشد و آن عدم پذیرش مجدد معاهده حسن همجواری میان ایران و عراق و عملی نکردن آن از سوی عراق بود. حکام پیشین این کشور عمل به این قرارداد را منوط به چشم‌پوشی ایران از اخذ غرامت جنگی کردند (کیهان ۶ خرداد ۱۳۸۰).

مرز دریایی ایران و کویت

آغاز مذاکرات ایران و کویت در خصوص تحدید حدود فلات قاره دو کشور به اوایل دهه ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. در اولین اقدام، نمایندگان دو کشور در اکتبر ۱۹۶۳ در ژنو دیدار و گفتگو کردند و بر ادامه مذاکرات تأکید نمودند.

طرح مقدماتی مربوط به فلات قاره ایران و کویت در تاریخ نوردهم خرداد ماه ۱۳۴۴ (نهم ژوئن ۱۹۶۵) به امضاء وزیر خارجه وقت کویت و کاردار سفارت ایران در کویت رسید. در ابتداء طرفین تصمیم گرفتند تا اثر جزایر کوچک و ارتفاعات جزیری را که می‌توانند تحدید حدود را مشکل و پیچیده کنند، نادیده بگیرند.

کویتهایها در اولین طرح خود در بیست و ششم مهرماه ۱۳۴۴ (هجدهم اکتبر ۱۹۶۵) خواستار استفاده از تمام جزایر دو طرف از جمله خارک، گروه فیلکه و جزایر قاری (قرینیه) به عنوان نقاط مبدأ شدند.

در بیست و هفتم مهرماه ۱۳۴۴ (نوزدهم اکتبر ۱۹۶۵) طرف ایرانی طرحی ارائه کرد که با توجه به اعتراض عربستان سعودی به محدوده مورد بهره‌برداری کویت (تحت امتیاز کمپانی شل)، خواستار تعیین دقیق محدوده‌ای که مورد اعتراض عربستان سعودی نیست، گردید.

درخواست دیگر نماینده ایران انجام مذاکرات توأمان درباره فلات قاره کویت و منطقه بیطرف و در نهایت دعوت از عربستان سعودی جهت شرکت در مذاکرات بود که مورد توافق کویت واقع نگردید.

نماینده ایران در تاریخ ۲۹ مهرماه (۲۱ اکتبر) همان سال عوامل مؤثر بر ترسیم مرز فلات قاره بین ایران و کویت را به شرح زیر بر شمرد:

۱- اصل واقعیات^(۱).

۲- اصل اعمال حقوق^(۲).

۳- اعمال اصل انصاف.

۴- در نظر گرفتن شرایط اقتصادی دو کشور از جمله تعداد جمعیت، درآمد سرانه، شرایط توسعه اقتصادی و مصرف داخلی نفت

۵- وضعیت موجود در رابطه با تضمین حقوق و منافع طرفین (وزارت خارجه ۱۳۸۰). و مذاکرات دو کشور در اولین دوره بدون نتیجه پایان یافت.

اگرچه مذاکرات بعدی در دی‌ماه ۱۳۴۶ در تهران انجام شد، ولی مانند مذاکرات قبلی به نتیجه‌ای منجر نشد. در این مذاکرات مسائلی چون فلات قاره منطقه بیطرف و نقش جزایر در خط مبدأ دو طرف مطرح گردید که توافق دوجانبه حاصل نشد. در گزارشی که شرکت ملی نفت ایران در تاریخ بیست و پنجم فروردین ۱۳۵۴ به عنوان وزیر خارجه وقت ارسال کرد، تصریح شده بود که اصول مورد توافق در مذاکرات دی‌ماه ۱۳۴۶ (ژانویه ۱۹۶۸) پذیرش اثر صددرد جزیره خارک و فشت المواء در سمت ایران و جزایر فیلکه و ارتفاعات جزیری رأس الیاحی در طرف کویت بود. این موضوع در نامه‌ای که وزیر خارجه وقت ایران به وزیر خارجه وقت کویت در تاریخ هشتم بهمن ماه ۱۳۴۷ (بیست و هشتم ژانویه ۱۹۶۹) ارسال نمود، نیز آمده است (اخبار و اسناد ۱۳۴۹، ص ۲۵۱).

1- The principle of fact

2- The principle of law

مذاکرات تحدید حدود فلات قاره ایران و کویت مجدداً در آذرماه ۱۳۴۷ (دسامبر ۱۹۶۸) ادامه یافت. در این مذاکرات هیأت کویتی با خودداری از پذیرش اصول مورد توافق در مذاکرات ۱۳۴۶ تنها به تأثیر صددرصد جزیره خارک در منطقه اختصاصی فلات قاره کویت رضایت داد که مورد موافقت طرف ایرانی قرار نگرفت. طی دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ هیچ‌گونه مذاکره‌ای بین ایران و کویت در مورد مرز دریایی صورت نگرفت. موانع عمده در این زمینه را می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

۱- اختلاف در خط مبدأ طرفین و نقش جزایر در آن که در حال حاضر نیز مورد اختلاف است.

۲- فلات قاره منطقه تقسیم شده (سابقاً بیطرف).

۳- دخالت رژیم پیشین عراق و عدم توافق این کشور با کویت در خصوص مرز دریایی.

۴- مسئله دیگری که طی سال‌های اخیر اهمیت یافته، وجود حوزه انرژی آرش (الدوره) می‌باشد.

میدان آرش (الدوره) را کویت در سال ۱۹۶۷ کشف کرد. ذخایر گازی این میدان سیزده تریلیون فوت مکعب (۳۶۸ میلیارد مترمکعب) برآورد می‌شود (ایرنا ۱۳ تیرماه ۱۳۷۹). به علت ادعای مالکیت ایران و کویت بر این حوزه، بهره‌برداری از آن تاکنون به تعویق افتاده است.

در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ ایران در حوزه آرش اقدام به انجام عملیات اکتشاف و حفر چاه نمود. عربستان سعودی و کویت در سیزدهم مه ۲۰۰۰ (بیست‌وسوم اردیبهشت ۱۳۷۹) به این اقدام ایران اعتراض کردند. متعاقب این اعتراض، شرکت نفت فلات قاره کشورمان تا نهایه شدن وضعیت مالکیت این میدان، بهره‌برداری از آن را متوقف کرد. طبق اظهارات زنگنه وزیر نفت کشورمان، این میدان به ایران تعلق دارد، ولی مقامات کویتی قائل به مشترک بودن آن بین ایران و کویت هستند (ایرنا ۲ تیرماه ۱۳۷۹).

با طرح مجدد مسئله حوزه آرش، نمایندگان دو کشور مذاکرات مربوط به تحدید حدود فلات قاره را که حدود سه دهه معطل مانده بود از آذرماه ۱۳۷۹ (دسامبر ۲۰۰۰) شروع کرده‌اند که هم اکنون هم ادامه دارد.

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تاکنون تحدید نشده است. مقامات این فدراسیون تلاش کرده‌اند تعیین مرز دریایی و افزاز فلات قاره این فدراسیون با ایران را مرتبط به مسئله جزیره ابوموسی نمایند.

مرز دریایی ایران و فدراسیون امارات متحده عربی نسبت به سایر مرزها در خلیج فارس از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اولین ویژگی آن، دو قسمت بودن مرز در خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. ویژگی دوم عدم یکپارچگی سرزمینی و چند بخش بودن امارات تشکیل دهنده فدراسیون امارات متحده عربی است و بر اساس قانون اساسی موقت، هر اقدامی جهت تحدید حدود مرز دریایی و افزاز فلات قاره باید به تأیید یکایک اعضای این فدراسیون برسد.

ویژگی سوّم مرز دریایی ایران و امارات متّحده عربی تحدید بخشی از آن در دهه ۱۳۵۰ می‌باشد که پیشتر اشاره گردید.

ویژگی چهارم و مهمّ این مرز، وجود حوزه‌های نفت و گاز مشترک می‌باشد. بیشترین حوزه‌های نفتی کشف شده مشترک در خلیج فارس بین ایران و امارات متّحده عربی قرار دارد. از آنجا که براساس قوانین داخلی امارات متّحده عربی هر امارت مالک اصلی منابع زیرزمینی واقع در آن امارت می‌باشد، بنابراین حوزه‌های مشترک را به نام حوزه مشترک ایران و امارت‌های مقابل می‌شناسیم. این میادین مشترک بین ایران و امارت‌های ابوظبی، شارجه، و دوی واقع هستند که جزء منابع ارزشمند در خلیج فارس می‌باشند.

حوزه نفتی مبارک از حوزه‌های قدیمی در خلیج فارس است که ایران و امارت شارجه مالک مشترک آن می‌باشند. بین ایران و امارت ابوظبی میدان مشترک نفت و گاز سلمان (ساسان سابق) واقع است که ۷۵ درصد از آن در آب‌های ایران و ۲۵ درصد بقیه در آب‌های ابوظبی قرار دارد که «ابوالبخش» نامیده می‌شود.

میدان نفتی نصرت بین ایران و امارت دوی مشترک است. این میدان در دوی به فاتح مشهور است. میدان مشترک دیگر، میدان نفتی فرزام است که در دوی به فلاح شهرت دارد که در حال حاضر به علت برداشت بیشتر توسط دوی، مهاجرت نفت به یک مشکل اساسی تبدیل شده است (وزارت نفت ۱۳۸۰).

طی بیش از سه دهه که از تأسیس فدراسیون امارات متّحده می‌گذرد، عوامل گوناگونی در عدم تحدید حدود فلات قاره دو کشور مؤثر بوده که عبارتند از:

- ۱- طمع ارضی امارات متّحده عربی علیه جزایر ایرانی در خلیج فارس.
- ۲- ضعف قوانین داخلی امارات و وجود مشکلات ساختاری و سیاسی و عدم هماهنگی بین امارت‌های تشکیل دهنده آن.
- ۳- اختلافات ارضی درون امارات متّحده عربی.

مهم‌ترین دلیل عدم تعیین مرز دریایی دو کشور، مسئله جزایر بوده است. جزایر سه گانه به همراه سایر جزایر ایرانی در خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم به اشغال نیروهای انگلیسی در آمدند. اقدامات روسیه برای حضور در خلیج فارس یکی از عواملی بود که باعث گردید تا بریتانیا جهت جلوگیری از بسط و تقویت حضور روسیه، جزایر استراتژیک ایران در خلیج فارس را اشغال نماید. در اولین گام جزایر قشم، هرمز و هنگام را اشغال کرد و در گام بعدی به طرفیت شیوخ عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس، در سال ۱۸۹۳ جزیره ابوموسی را به شارجه و جزایر تنب را به رأس‌الخیمه ملحق کرد (ممتاز ۱۳۶۹، ص ۵۷۹). تلاش‌های سیاسی ایران از همان ابتدای اشغال شروع و تا سی‌ام نوامبر ۱۹۷۱ که حاکمیت ایران مجدداً بر این جزایر اعاده گردید ادامه داشت. در این تاریخ توافق سه جانبه‌ای بین ایران، بریتانیا و امارت شارجه در خصوص جزیره ابوموسی امضاء گردید که به مشکل پیش گفته پایان داد. اگرچه مقامات

فدراسیون امارات متّحده عربی این توافق را نپذیرفتند و با هدایت و همراهی کشورهای تندرو عربی شکایتی علیه ایران به شورای امنیّت تسلیم کردند؛ ولی شکایت آنان ثمری بدنبال نداشت.

پس از جنگ دوّم خلیج فارس با توجّه به شرایط منطقه و حضور قدرت‌های بزرگ، حگام امارات فرصت را مغتنم شمرده، جهت رهایی از مشکلات داخلی خود با تنظیم دسیسه‌ای از پیش طراحی شده، موضوع جزایر را دوباره مطرح کردند. این بهانه در ماه آوریل ۱۹۹۲ فراهم شد. در این تاریخ مقامات ایرانی جزیره ابوموسی از ورود گروهی هندی، پاکستانی و فیلیپینی که در استخدام امارات متّحده عربی بودند و بدون آگاهی دولت ایران به ابوموسی می‌رفتند، جلوگیری کردند. ایرانیان از مدت‌ها پیش متوجّه فعل و انفعال‌هایی مشکوک از سوی افرادی از ملیّت‌های گوناگون در اطراف این جزیره شده بودند. قبلاً یک هلندی مسلح در آب‌های کرانه‌ای ابوموسی دستگیر و در تهران زندانی شده بود (اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۳، ص ۷). وقوع این مسئله باعث تیره‌گی روابط گردید و امارات متّحد تلاش زیادی را جهت بین‌المللی کردن این قضیه شروع کرد و در بیست‌وهفتم اکتبر ۱۹۹۱ (پنجم آبان‌ماه ۱۳۷۱) با انتشار بیانیه‌ای در سازمان ملل متّحد اولین بار ادعای مالکیت بر این جزیره کرد.

مقامات کشورمان موضوع پیش آمده را صرفاً سوء تفاهم عنوان کرده، خواستار مذاکره شده و در عین حال بر قابل مذاکره بودن حاکمیت و مالکیت ایران بر جزیره ابوموسی تأکید کرده‌اند. تمایل ایران برای حلّ مسالمت‌آمیز این سوء تفاهم همواره به مقامات اماراتی اعلام گردیده است. در حال حاضر موضع امارات متّحده عربی در خصوص جزایر سه‌گانه به علّت عدم حمایت جدی اعراب دچار چالش گردیده است؛ اما با این وجود به علّت گریز از مسائل و مشکلات داخلی و سوء استفاده از این مسئله جهت وحدت آفرینی، همچنان بر طمع ارضی خود تأکید دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

آنچه مسلم است، عدم تعیین و تصویب مرز دریایی به نفع عراق و امارات متّحده عربی و به ضرر کشور ما بوده است؛ چراکه مقامات این دو کشور به‌دنبال اهداف ویژه خود بوده‌اند. اما در این بین وضعیّت کشور کویت متفاوت است. این کشور تلاش می‌کند تا با حمایت جامعه بین‌المللی و با استفاده از پشتوانه حضور دیگران در منطقه مشکلات خود را حلّ و فصل نمایند.

برای تعیین مرز دریایی کشورمان با کشورهای پیش گفته، دستگاه دیپلماسی ما باید در برنامه‌های خود تجدیدنظر نموده و آنها را کارآمد نماید. ضعف در گذشته باعث از دست رفتن فرصت‌های بسیار عالی شده است؛ کما این که در برخی مسائل مانند ادعای سرزمینی امارات متّحده علیه جزیره ابوموسی، تبلیغات داخلی و خارجی در کشور ما بسیار ضعیف بوده، در حالی که تلاش‌های تبلیغاتی زیادی در این زمینه از سوی امارات متّحده عربی صورت گرفته و می‌گیرد.

نکته دیگر عدم واگذاری امتیاز به کشورهای پیش گفته می‌باشد؛ چرا که طی سال‌های گذشته هر یک از آنها به اشکال گوناگون از موهبت‌های ایرانیان بهره برده‌اند. حکام ساقط شده یعنی عراق از پرداخت غرامت جنگی طفره رفتند و با حاکمیت آمریکا بر این کشور این مسئله در ابهام است.

کویت‌ها، هم در دوران رژیم گذشته که در برابر تهدیدهای عراق قرار داشتند از حمایت‌های مادی و تبلیغاتی ایران بهره بردند و هم پس از اشغال توسط عراق از خدمات ایرانیان استفاده کردند.

مقامات اماراتی که همواره بر مجزاً بودن امر اقتصادی از مسائل سیاسی تأکید کرده‌اند، سالانه از طریق باز صدور، بیش از پنج میلیارد دلار کالا به ایران صادر می‌کنند. بنابراین به هیچ وجه جایز نیست که در خصوص افزایش مرز دریایی به آنها امتیاز بدهیم.

تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس به کشورمان از یک سو، و ضرورت حفظ منافع ملی کشورمان در حوزه‌های مشترکی که در آینده در خلیج فارس کشف خواهند شد از سوی دیگر، افزایش مرز دریایی کشورمان با سه کشور عراق، کویت و امارات متحده عربی را ضروری می‌سازد. علاوه بر آن ضرورت‌های سیاسی، امنیتی و بین‌المللی انجام چنین مهمی را الزامی می‌کند. حلّ منازعات جغرافیایی و ژئوپولیتیکی نه تنها بستر لازم را برای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس فراهم می‌آورد، بلکه زمینه دخالت قدرت‌های دیگر را نیز از بین می‌برد. از جهتی چنین اقداماتی باعث می‌شود تا چالش‌های اساسی در مقابل شکل‌گیری ساختار امنیتی منطقه‌ای با تأکید بر عناصر بومی تا حدّ زیادی از بین بروند که در این صورت یکی از آمل‌های دیرین ساکنین منطقه که همانا شکل‌گیری نظام و رژیم امنیتی مبتنی بر عناصر و لوازم بومی منطقه‌ای است، برآورده خواهد شد.

قدردانی و تشکر: این مقاله حاصل طرح و پژوهشی با همین عنوان است که با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در مؤسسه جغرافیا اجراء گردیده است که بدین وسیله از مسئولین و دست‌اندرکاران محترم معاونت پژوهشی دانشگاه و مؤسسه تشکر بعمل می‌آید.

منابع و مأخذ :

- ۱- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۳، شماره ۸۱-۸۲.
 - ۲- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱)، کانونهای بحران در خلیج فارس، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
 - ۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، دوم تیرماه ۱۳۷۹.
 - ۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۱۳ تیرماه ۱۳۷۹.
 - ۵- روزنامه کیهان ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۵.
 - ۶- روزنامه کیهان ۶ خرداد ۱۳۸۰.
 - ۷- سند شماره TR/2710/2000 سازمان ملل متحد.
 - ۸- گزارش امور بین الملل وزارت نفت، ۱۳۸۰.
 - ۹- گزارش وزارت خارجه به وزارت نفت، مردادماه ۱۳۸۰.
 - ۱۰- مجتهدزاده پیروز (۱۳۸۰)، امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
 - ۱۱- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، خلیج فارس کشورها و مرزها، تهران، انتشارات عطائی.
 - ۱۲- ممتاز، جمشید (۱۳۶۹)، تحدید حدود فلات قاره خلیج فارس، سیاست خارجی، شماره ۴.
 - ۱۳- میرحیدر، درّه (۱۳۶۶)، ژئوپولیتیک تنگه هرمز و خلیج فارس، سیاست خارجی، شماره یک.
 - ۱۴- نشأت، صادق (۱۳۴۵)، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت نسبی کانون کتاب.
 - ۱۵- نشریه اخبار و اسناد، از فروردین تا شهریور ۲۵۳۴، اداره انتشارات و مدارک وزارت خارجه.
 - ۱۶- نشریه اخبار و اسناد از فروردین تا شهریور ۱۳۴۹، اداره انتشارات و مدارک وزارت خارجه.
 - ۱۷- نفت و گاز، پتروشیمی، شماره ۶، پانزدهم بهمن ۱۳۷۶.
- 18- Continental Shelf Delimitation and Related Maritime Issues, Ahmad, Razavi. 1997, The Hague, Martinus nijhoff publishers, in the Persian Gulf, The Middle
- 19- East and North Africa, and Schofield Richard. Schofield Clive H. 1996, Routledge, London